

بررسی تحولات اخیر مصر
تداوم بی‌ثباتی در مصر؛
ملاحظات داخلی و مواضع آمریکا

گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی (۳)

مطالب مطرح شده در این نشست لزوماً بیانگر
مواضع رسمی مرکز پژوهش‌ها نیست.

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۲	مشروح نشست
۱۳	پرسش و پاسخ



بررسی تحولات اخیر مصر تداوم بی‌ثباتی در مصر؛ ملاحظات داخلی و مواضع آمریکا گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی (۳)

چکیده

گزارش حاضر متن کامل دومین نشست تخصصی گروه سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی پیرامون تحولات مصر است. این گزارش ضمن اشاره به عوامل مؤثر در سقوط دولت مرسى، به واکنش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قبال تحولات و تلاطم‌های سیاسی اخیر این کشور پرداخته و توصیه‌های سیاسی منطبق با منافع جمهوری اسلامی ایران را در قبال این تحولات ارائه می‌دهد.

مقدمه

عزل محمد مرسى از ریاست جمهوری مصر که پس از اعتراضات گسترده خیابانی در این کشور اتفاق افتاد به معنای شکست سنگین جنبش اخوان المسلمین در عرصه سیاست‌ورزی و کشورداری بود. این واقعه از این نظر مهم است که اخوان المسلمین، نه به عنوان یک حزب، بلکه به عنوان یک جریان هماهنگ سیاسی در جهان عرب و حتی جهان اسلام دارای پیروان، علاقمندان و همفکران زیادی است، این جریان سیاسی متشکل در دو سال اخیر یعنی بعد از پیروزی انقلاب‌های مردمی در چند کشور عربی

خاورمیانه و شمال آفریقا، درصدد نوعی شبه‌کشورگشایی با به‌دست گرفتن قدرت در این کشورها برآمد و تلاش‌هایی را برای قبضه کردن حاکمیت در بخش وسیعی از جهان اسلام به‌عمل آورد، اما حکومتی که آنها در مصر تشکیل دادند پایدار نماند و به سرعت از بین رفت. این امر مؤید آن بود که تفکر اخوان‌المسلمین در عرصه عملی سیاست نمی‌تواند حضور قدرتمندی داشته باشد. از بُعد دیگر باید توجه داشت که آنچه در مصر روی داد، علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن ترتیبات داخلی، دارای تبعات بین‌المللی بوده و در نهایت تأثیرات مستقیمی بر رفتار همه کشورهای منطقه خواهد داشت. با توجه به اهمیت تحولات مصر، گروه سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی دومین میزگرد کارشناسی خود را در مورد این کشور با حضور آقایان دکتر سعدا... زارعی و دکتر کیهان برزگر از صاحب‌نظران مسائل منطقه در روز چهارشنبه ۱۳۹۲/۵/۳۰ برگزار کرد. گزارش حاضر حاصل مشروح مباحث مطرح شده در این میزگرد است.

مشروح نشست

بخش اول - تحولات سیاسی اخیر مصر و عملکرد اخوان‌المسلمین

سخنران: دکتر سعدا... زارعی

• جریان‌های سیاسی فعال در مصر

به‌طور کلی در کشور مصر سه جریان سیاسی اصلی فعالیت دارند، دو جریان به‌صورت انضمامی و یک جریان نیز به‌طور مستقل عمل می‌کند. یکی از این نیروها که طیف متنوعی از گروه‌های مختلف را دربر می‌گیرد، اسلامگراها هستند که شامل



اخوانی‌ها، سلفی‌ها و نیروهای القاعده می‌باشند. در این مجموعه، همه اسلامگراها قرار ندارند، بلکه تعدادی از آنها، خارج از این قاعده عمل می‌کنند که می‌توان به حزب «النور» و «حزب الوسط» اشاره کرد. این جریان تلاش دارد تا بتواند شرایط مصر را به دوران پیش از ماجرای ۳۰ ژوئن بازگرداند. آنها معتقدند مسیری که ارتش در پیش گرفته، غیرقانونی است و این نهاد باید از دخالت در مسائل سیاسی پرهیز کند. حوادث ۵۰ روز اخیر مصر هم در همین چارچوب، قابل تجزیه و تحلیل است. اسلامگراها تا به امروز نتوانسته‌اند این خواسته‌ها را در عرصه سیاسی، عملی کنند. این مسئله شرایط را برای اخوانی‌ها سخت‌تر کرده است. با دستگیری برخی از اعضای اخوانی‌ها از جمله محمد عدی (یکی از رهبران اخوان‌المسلمین) و همچنین فرزند مرسی توسط نیروهای نظامی نه تنها مشکلی حل نشد، بلکه دامنه آن نیز گسترش پیدا کرد. کشتار طرفداران اخوان‌المسلمین طی روزهای گذشته و عدم عقب‌نشینی ارتش از مواضع خود و برخورد تند با تجمع مردم در میدانی اصلی شهرهای مصر، وضعیت را سخت‌تر کرد. در این میان، ارتش نه تنها از مواضع خود عقب‌نشینی نکرد، بلکه بر آن نیز پافشاری کرد. در این جریان، اسلامگراها از پشتیبانی جدی کشورهای ترکیه و قطر نیز برخوردارند. در این میان جمهوری اسلامی نیز نسبت به کشته شدن اخوانی‌ها توسط ارتش ابراز انزجار کرد و خواستار توافق و آشتی ملی در فضای سیاسی مصر شد. ایران برخلاف ترکیه، ماجرای ۳۰ ژوئن (برکناری مرسی) را کودتا نمی‌داند. در واقع این موضع‌گیری ایران در فضای بین‌المللی، کمک به اخوانی‌ها تلقی نمی‌شود.

جبهه یا نیروی دوم، ارتش یا تشکیلات دیوان‌سالاری اداری (اعم از دولت، ریاست‌جمهوری، دستگاه قضایی و...) است. این جریان که بسیار منسجم است و با محوریت ارتش و شخص ژنرال السیسی فعالیت می‌کند، خواستار حفظ اقتدار ارتش در صحنه است. این جبهه با بازگشت اسلامگراها و اخوانی‌ها به عرصه قدرت موافق نیست. در حال حاضر نخست‌وزیر فعلی، رسماً درخواست انحلال اخوان‌المسلمین را مطرح کرده است. در همین رابطه فعالیت حزب عدالت آزادی، ارگان رسمی اخوانی‌ها نیز غیرقانونی اعلام شده است. چنین اقداماتی نشان می‌دهد که ارتش موافق برگزاری انتخابات آزاد نیست. مهم این بود که ارتش بتواند قدرت را در دست خود حفظ کند. در این میان ارتش منسجم و با برنامه عمل کرد و نقشه راه اعلام نشده‌ای را به اجرا گذاشت. ارتش اعلام کرد که در زمان معین، انتخابات ریاست‌جمهوری را برگزار می‌کند. همچنین نمایندگان مجلس نیز ظرف ۶ ماه آینده انتخاب می‌شوند. اگرچه شورای قانونی ده نفره جهت برگزاری انتخابات تشکیل شد، اما این شورا تا به امروز اقدام خاصی صورت نداده است.

جریان سوم، جریان مخالفین است که عبارتند از: جنبش انقاذ که متشکل از حدود ۱۶ حزب مصری است. در این جبهه، سه جریان با سه شخصیت شاخص وجود دارد، محمد البرادعی، عمر موسی و حمدین صباحی (رئیس ناصریست‌ها). البته حدود ۱۳ جریان کوچک دیگر هم در ذیل مجموعه جبهه انقاذ فعالیت می‌کنند. در کنار این جنبش، گروه ترمرد قرار دارد که این گروه را جوانان ۶ آوریل تشکیل داده‌اند. محمود بدر و برادرش از رهبران این جنبش هستند. این گروه همراه با ارتش در خلع



محمد مرسی از قدرت نقش داشت. جنبش تهر و جبهه انقاز دارای هویت انضمامی می‌باشند. این دو جنبش در مصر به‌عنوان جبهه معارضا شناخته شده‌اند و با ارتش به‌عنوان یک مجموعه، عمل می‌کنند. این گروه به‌همراه ارتش، مقابل اخوانی‌ها قرار دارند و ارتش از این مسئله به‌نحو احسن استفاده می‌کند. البته رهبران جبهه تهر، کشتار اخوانی‌ها را محکوم کردند و خواستار استعفاى وزیر کشور نیز شدند. یکی از معترضین به عملکرد ارتش، محمد البرادعی است. وی یکی از اعضای جبهه انقاز است که به‌دلیل اقدام ارتش در کشتار اخوانی‌ها از پست خود استعفا داد. البته ارتش اقدامات خود را به بهانه اینکه دارای هویت مدنی است، توجیه می‌کند. در جبهه خارجی هم بعضی از کشورها با صراحت تمام از اقدامات ارتش حمایت می‌کنند که در رأس آنها می‌توان به کشورهای عربستان، امارات، کویت و اردن اشاره کرد. در جبهه بین‌المللی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها مخالف عملکرد ارتش بودند. لذا غربی‌ها بیشتر در فرم رسمی و عملی، مواضعی میانی را اتخاذ کردند، البته این موضع بیشتر به‌نفع ارتش است. زیرا مستلزم اعمال فشار بر ارتش نیست.

• ارائه طرح‌های گفتگو

برای خارج شدن از بن‌بست موجود در مصر، طرح‌های مختلفی ارائه شده که اغلب آنها تاکنون با بن‌بست مواجه شده است. مهمترین این طرح‌ها عبارتند از:

۱. طرح احمد الطیب: یکی از طرح‌ها از سوی احمد طیب به‌عنوان نماینده الازهر ارائه شد. در این طرح از طرفین خواسته شد که درخصوص برگزاری انتخابات

زود هنگام توسط ارتش ظرف ۴ ماه آینده با یکدیگر گفتگو کنند. همچنین ارتش موظف شد در کارها دخالت نکرده و اجازه دهد که مخالفین در برخی از میادین تجمع داشته باشند. این طرح مورد توجه اخوانی‌ها و ارتش قرار نگرفت و عملاً به جایی نرسید.

۲. طرح محمد البرادعی: در این طرح که توسط محمد البرادعی ارائه شد از مرسی خواسته شده بود که به حکومت بازنگردد و ارتش براساس نقشه راه عمل کند. این طرح، برگزاری انتخابات آزاد با حضور اخوانی‌ها را مقرر می‌کرد و خواستار آن بود که در صورت رأی آوردن اخوانی‌ها، امکان تشکیل دولت از طرف آنها فراهم شود. طرح فوق هرچند مورد قبول اخوانی‌ها بود، اما چون آنها در موضع مخالف بوده و البرادعی را قبول نداشتند، روی خوشی نشان ندادند.

۳. طرح اشتون: طرح مزبور به‌عنوان پیام اتحادیه اروپا محسوب می‌شد و برای اخوانی‌ها و اسلام‌گراها این امتیاز را داشت که اعضای دستگیر شده آنها آزاد می‌شدند و مانعی برای خروج محمد مرسی از کشور وجود نداشت. این یک طرح حداقلی بود که برخی از مشکلات اخوانی‌ها را حل می‌کرد، اما قادر به حل ریشه‌ای بحران مصر نبود.

۴. طرح ارتش: این طرح از پشتوانه تعدادی از ژنرال‌های ارتش برخوردار بود که یکی از شرایط آن، گفتگو بین ژنرال‌های سبسی و اخوانی‌ها بود. در این طرح، ارتش بازگشت مرسی به حکومت را منتفی اعلام کرد و خواهان پذیرش نقشه راه توسط اخوانی‌ها و شرکت در انتخابات شد.

۵. طرح سلیم العواء: در طرح مزبور اعلان شده بود که مرسی به قدرت



بازنگردد، اما قانون اساسی به عنوان قانون مشروع به رسمیت شناخته شود و هیئتی مرضی‌الطرفین اصلاحات قانون اساسی را پیگیری کند. در طرح سلیم العواء از اخوانی‌ها خواسته شده بود که نخست‌وزیر فعلی را به رسمیت بشناسند. نکته مهم این طرح انتقال اختیارات مرسى به نخست‌وزیر بود. اخوانی‌ها این طرح را با تأخیر پذیرفتند. مدتی بعد ژنرال السیسی به بهانه اینکه طرح مذکور، کاربردی ندارد، آن را منتفی اعلام کرد.

۶. طرح اخوان المسلمین: در طرح اخوانی‌ها خواسته شده بود که به مرسى اجازه داده شود در یک برنامه تلویزیونی حاضر شده و رسماً استعفا دهد. همچنین براساس این طرح، اختیارات ریاست‌جمهوری به هشام قنديل آخرین نخست‌وزیر دولت مرسى منتقل و انتخابات آزاد با مشارکت اخوانی‌ها برگزار می‌شد. در طرح مذکور به آزادی زندانیان اخوانی و اموال توقیف شده آنان نیز اشاره شده بود. ارتش این بار هم زیر بار این طرح نرفت. بنابراین کلیه طرح‌هایی که مبتنی بر توافق بود، توسط ارتش رد شد. این مسئله نشان می‌دهد که ارتش از مواضع خود کوتاه نیامده است. این نهاد هر طرحی را که متضمن بازگشت مطلق یا نسبی اخوانی‌ها به قدرت بود، نپذیرفت. البته عملکرد ارتش در هفته‌های گذشته مشروعیت این نهاد را زیر سؤال برد و این مسئله شکافی قابل توجه بین جبهه معارضین و ارتش پدید آورد.

بخش دوم - عملکرد غربی‌ها به‌ویژه آمریکا در بحران مصر

سخنران: دکتر کیهان بزرگر

به‌طور قطع کشور مصر در آینده دوران سختی را پیش رو خواهد داشت. در مجموع این آمریکایی‌ها هستند که می‌توانند در مسائل مصر نقش ایفا کنند. برای اینکه آنها به‌صورت سنتی و براساس منافع و امنیتشان تصمیم می‌گیرند. اروپایی‌ها نسبت به آنها ارزشی‌تر و احساسی‌تر عمل می‌کنند، اما این بدان معنا نیست که آمریکایی‌ها در سیاست خارجی خود در خاورمیانه به‌خصوص در مصر به مسائل ارزشی گرایش پیدا نکنند. سال‌هاست که آمریکایی‌ها در سیاست خارجی خود روی حکومت‌های محافظه‌کار و افراد سرمایه‌گذاری کرده‌اند. زیرا معتقدند که با افراد و نیروهای امنیتی بهتر می‌توان کار کرد.

به‌طور کلی آمریکا به‌صورت زیگزاگی مسائل مصر را دنبال می‌کند. وقتی انقلاب مصر در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ آغاز شد، مواضع آمریکا مشخص نبود و تینکتک‌ها یا مراکز مطالعاتی، به دولت او‌باما مشورت می‌دادند. آمریکایی‌ها به‌طور سنتی، امنیت‌محور هستند و معتقدند باید از رژیم‌های محافظه‌کار برای حفظ ثبات در خاورمیانه استفاده کرد. این تغییر از زمان ریاست‌جمهوری کلینتون آغاز و در پی حادثه ۱۱ سپتامبر و در نتیجه امنیتی شدن فضا متوقف شد. در زمان ریاست‌جمهوری جرج بوش نیز سعی شد با طرح خاورمیانه بزرگ، ارزش‌هایی را به سیاست خارجی آمریکا تزریق کنند، اما این اتفاق به‌وقوع نپیوست. زیرا حکومت‌های محافظه‌کار مانند عربستان سعودی با آن مخالفت کردند. این مسئله در کشور عراق هم تکرار شد. آمریکایی‌ها در این کشور ثبات نسبی میان گروه‌های سنتی و بعثی



ایجاد کردند. بعدها در دوران اوباما، مجدداً تلاش شد این تفکر عملیاتی شود که با موفقیت همراه بود. در دوره ریاست‌جمهوری اوباما، وی به مصر سفر و تلاش کرد تا با جنبش‌های دمکراتیک این کشور رابطه برقرار کند، اما تحولات منطقه، سیاست آمریکا را دچار چالش کرد. به طوری که آمریکایی‌ها در کودتای اخیر مصر وسوسه شدند که به سیاست خارجی سابق خود در منطقه بازگردند. برای آمریکایی‌ها همکاری با حکومت‌های محافظه‌کار و گروه‌های کوچک راحت‌تر بود.

در درون پارادایم اصلی سیاست خارجی آمریکا، روشنفکرانی هستند که معتقدند باید روی ارزش‌ها و هنجارها متمرکز شد، البته دیدگاه آنها هنوز در چرخه سیاست خارجی آمریکا نهادینه نشده است. تغییر پارادایمی در سیاست خارجی آمریکا باعث یک نوع سردرگمی برای سیاستمداران آمریکایی، در برخورد با انقلاب مصر شده است. آنها در زمان سقوط دولت مبارک از وی حمایت نکردند. این شیوه در زمان دولت مرسی نیز دنبال شد. آمریکایی‌ها در قبال تحولات مصر مدت‌ها سردرگم بودند به نحوی که نمی‌توانستند در مورد ماهیت اقدام ارتش از حیث کودتایی بودن یا نبودن آن تصمیم‌گیری کنند. در واقع این سردرگمی ناظر بر عدم تعادل میان سیاست‌ها و پارادایم‌ها بود. بنابراین باید نسبت به این فرضیه که آمریکایی‌ها مسبب جریان‌ات و تحولات اخیر هستند، تأمل بیشتری کرد. در یک نگاه دقیق‌تر باید به نقش توده مردم مصر در وقایع اخیر توجه کرد. همزمان با تغییر و تحولات جدید که در منطقه شکل گرفت، نقش توده‌ها برای اولین بار در سیاست داخلی و خارجی مصر افزایش یافت، به خصوص فعالیت قشر جدیدی از نخبگان در این تحولات بسیار چشمگیر بود.

• جریان‌های تأثیرگذار در تحولات مصر

به‌طور کلی می‌توان سه جریان اصلی را در تحولات اخیر مصر مورد شناسایی قرار داد:

۱. **جریان اول ارتش و نیروهای امنیتی** وابسته به رژیم سابق هستند که در سیاست داخلی و خارجی مصر بسیار تأثیرگذارند.

۲. **جریان دوم لیبرال‌های ملی‌گرا** هستند که شامل نسل جدیدی از نخبگان مصری می‌باشند. آنها همان نسل سنتی هستند که خود را با شرایط جدید تطبیق می‌دهند. لیبرال‌های ملی‌گرایی نظیر البرادعی، عمر موسی و نبیل فهمی و... برای تثبیت خود نیاز به رأی مردم دارند. چالش اساسی آنها این است که باید جنبه‌ای از ایدئولوژیک بودن را در نوع نگاهشان به مسائل مد نظر قرار دهند. لیبرال‌های ملی‌گرا قطعاً در آینده از نیروهای اصلی تحولات مصر خواهند بود. از این‌رو ایران در عرصه سیاستگذاری، باید موضع خود را در قبال این گروه مشخص کند. آنها تلاش می‌کنند بین نهادهای جدید و نهادهای سنتی ارتباط برقرار کنند. لیبرال‌های ملی‌گرا بیشتر به جنبه استقلال مصر در عرصه‌های سیاست خارجی و فرهنگی تکیه می‌کنند. آنها به اسلام سیاسی اعتقادی ندارند، اما بر نقش توده‌ها تأکید می‌ورزند. این جریان مجبور است از عوامل و جریان‌هایی که آنها را به غرب و آمریکا وصل می‌کند، فاصله بگیرد. لیبرال‌ها، اسرائیل را به‌عنوان یک کشور مستقل به رسمیت می‌شناسند. در عین حال آنها معتقدند که مصر با برخی از کشورهای غیرعربی مثل ترکیه و ایران باید همکاری منطقه‌ای داشته باشد.



۳. جریان سوم اخوانی‌ها هستند که جمعیت عظیمی را در مصر تشکیل می‌دهند. از آنجا که این گروه تشکیلات و حزب قدرتمندی دارد، حذف آن از صحنه سیاسی کار راحتی نیست. لذا ادغام اخوان در سیاست و قدرت مصر، اجتناب‌ناپذیر است.

• رابطه آمریکا و مصر

آمریکا در برخورد با تحولات مصر استراتژی بینابینی را دنبال می‌کند و در روند تحولات به صورت منفعل واکنش نشان می‌دهد. این مسائل شرایط مصر را پیچیده کرده است. نگاه نیروهای سیاسی در درون مصر و نزدیکی و دوری آنان به آمریکا، سرنوشت سیاست داخلی این کشور را هم تعیین می‌کند.

تاکنون مصر نزدیک به ۱/۵ میلیارد دلار از آمریکا سالیانه کمک دریافت کرده است که این برای مصری‌ها مهم است. لذا به لحاظ آرایش نیروها، موضوع آمریکا برای مقامات قاهره بسیار اهمیت دارد.

همان‌طور که گفته شد، آمریکا در برخورد با تحولات مصر دچار نوعی سردرگمی شده است. این کشور در تغییر پارادایم سیاست خارجی خود و روی آوردن به جهت‌گیری‌های دمکراسی‌خواهانه به نتیجه نرسیده است. رویکرد آمریکا در خاورمیانه امنیت‌محور است و واشنگتن اعتقاد دارد که اتخاذ این رویکرد می‌تواند منافع ملی آن در منطقه را تأمین کند. همچنین اندیشه‌های ضدآمریکایی در خاورمیانه افزایش پیدا کرده است. یکی از بزرگترین گرفتاری‌های افکار عمومی در خاورمیانه این است که آمریکا سیاست‌هایی را اتخاذ کرده که مانع گسترش دمکراسی در این منطقه شده است.

• روابط ایران و مصر

برای ایران ارتباط با مصر جدید از اهمیت بالایی برخوردار است. طبعاً ایران باید سطح روابط خود را با این کشور ارتقا دهد تا بتواند از فضای ضدایرانی که در منطقه ایجاد شده است، خارج شود. از طرفی، مصر برای تنظیم روابط خود با کشورهای حوزه خلیج فارس و نیز روابط با ترکیه و اسرائیل نیاز به نزدیکی به ایران دارد. مصری‌ها فراتر از مسائل ایدئولوژیکی، ارزشی و اسلامی به‌عنوان یک فرهنگ، به ایران احترام می‌گذارند و در عین حال علاقمندند که مسائل جهان عرب با محوریت کشورشان حل‌وفصل شود. این تفکر سنتی، پارادایم اصلی سیاست خارجی مصر است. این تفکر مورد قبول افرادی نظیر عمر موسی، البرادعی و نبیل فهمی هم می‌باشد. آنها معتقدند که با ورود ایران به تحولات مصر، تعادلی در روابط مصر و جهان عرب ایجاد خواهد شد. در مسائل خلع سلاح منطقه‌ای و عمومی خاورمیانه، مصری‌ها علاقمند نیستند که دیدگاه ایرانی غالب باشد. درحال حاضر جریان جدیدی در مصر درحال شکل گرفتن است و به همین دلیل ایران باید در روابط خود با این کشور تعادل و توازن لازم را ایجاد کند. در این فرآیند در نظر گرفتن نقش اسلام سیاسی و مردم مصر از اهمیت اساسی برخوردار است.



پرسش و پاسخ

پرسش: ارتش و اخوان المسلمین دو نیروی اصلی جامعه مصر به حساب می‌آیند که از زمان جمال عبدالناصر تاکنون با هم تعارض داشته‌اند، با توجه به سابقه و قدمت گروه اخوان المسلمین، آیا خواسته ارتش مبنی بر حذف این گروه از صحنه سیاسی مصر امکان‌پذیر است؟

پاسخ (دکتر زارعی): تعارض کم‌وبیش نهادینه شده‌ای بین ارتش و اخوانی‌ها در مصر وجود دارد. این تعارض، پیش از آنکه تعارض ارتش با اسلام‌گرایی باشد، تعارض ارتش با اخوان است. ارتشی‌ها گاه‌وبیگاه ضرباتی هم از ناحیه اسلام‌گراها دریافت کرده‌اند. به‌طور مثال می‌توان به ترور ناموفق جمال عبدالناصر - به اسلام‌گراها نسبت داده شد - اشاره کرد. همچنین حادثه‌ای که منجر به ترور سادات توسط خالد اسلامبولی شد، در همین راستا قابل توضیح است. به‌طور کلی در منطقه خاورمیانه ارتش‌های قوی با اسلام‌گرایی مشکل جدی دارند. از جمله آنها می‌توان به ارتش پاکستان، سوریه، مصر و عراق اشاره کرد. مسئله دیگر اینکه ارتش در این کشورها مهمترین، مدرن‌ترین و فعال‌ترین جریان سیاسی - اجتماعی است که در بسیاری از مواقع قوی‌تر از احزاب عمل می‌کند. در مصر، واحدهای پلیس و نیروهای نظامی و امنیتی تحت نظارت ژنرال‌های سیسی فعالیت می‌کنند. حدود ۲/۵ میلیون نفر در این نهادها عضویت دارند. البته جدا از ارتش و گروه اخوان المسلمین به‌عنوان دو جریان سنتی، جریان سومی متکی بر حمایت توده‌های مردم و با توجه به نگرش‌های سنتی موجود در مصر در حال شکل گرفتن است. این قشر می‌تواند، صحنه آینده مصر را

تغییر دهد. این مسئله‌ای است که باید به‌دقت رصد شده و نشانه‌های آن و نیز میزان جدی بودن آن مورد توجه قرار گیرد.

پرسش: به اعتقاد برخی کارشناسان، دخالت آمریکا و رژیم صهیونیستی از جمله مهمترین موانع فراروی تقویت روابط ایران و مصر است. به‌نظر شما مهمترین ملاحظاتی که باعث می‌شود اسرائیل و آمریکا به سیاست تضعیف روابط ایران و مصر روی بیاورند، کدامند؟

پاسخ: آمریکایی‌ها علاقمند نیستند که ایران از طریق تشکیل ائتلاف‌های جدید در منطقه، نقش منطقه‌ای خود را تقویت کند. آنها به‌صورت سنتی، علاقمند به حفظ توازن قدرت در منطقه هستند. زیرا از این طریق، امنیتشان حفظ خواهد شد. اسرائیل هم از تضعیف روابط ایران و مصر سود می‌برد. از طرفی عربستان سعودی علاقمند نیست که ایران در مسائل منطقه‌ای نقش داشته باشد و به همین دلیل به روش‌های مختلف سعی می‌کند، ایران را مهار کند. یکی از بهترین ابزارهایی که عربستان برای تضعیف ایران مورد استفاده قرار داده، مسئله تحریم‌هاست. آنها نمی‌خواهند به‌طور مستقیم وارد جنگ با ایران شوند. چراکه از مخاطرات آن آگاهند. گرچه عربستان ممکن است به‌لحاظ ایدئولوژی جذاب نباشد ولی قدرت عجیبی در ایجاد ائتلاف‌ها علیه ایران داشته و می‌تواند ظرفیت‌های کشورمان در حوزه انرژی را مهار کند. به‌طور کلی این کشور هم علاقمند به تقویت روابط ایران و مصر نیست. البته تضعیف روابط ایران و مصر صرفاً ناشی از دخالت بازیگران خارجی نیست، بعضی از نیروهای سنتی در



مصر علاقمند هستند که مسائل فلسطین و اسرائیل با محوریت کشورشان حل و فصل شود. در حالی که ورود ایران به این مسئله، نقش مصر را به صورت سنتی تضعیف می‌کند. با این حال و علیرغم همه این موانع، دولت جدید ایران باید بتواند بر سیاست خارجی مصر تأثیر گذاشته، جهت‌گیری آن را دچار تغییر و تحول کرده و از پارادایم سنتی آن بیرون بیاورد تا فضا برای نزدیکی دو کشور باز شود.

پرسش: برخی کارشناسان معتقدند که حمله به اخوانی‌ها نه توسط ارتش مصر، بلکه از طرف نیروهای امنیتی صورت گرفته است. نظر شما در این خصوص چیست؟ در مورد نقش قدرتهای خارجی در تحولات مصر و میزان اطلاع آنها از کودتا چه نظری دارید؟ رابطه مصر و عربستان تا کجا ادامه پیدا می‌کند؟ آیا مصر به سمت دیکتاتوری پیش خواهد رفت؟

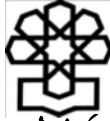
پاسخ (دکتر زارعی): نمی‌توان با قاطعیت گفت که بین ارتش مصر با دستگاه امنیتی این کشور تفاوت وجود دارد، البته گفته می‌شود که در جریان حوادث میدان النهمه، میدان الرابعه و مسجد الفتح ارتش حضور نداشته است، بلکه نیروهای امنیتی و نظامی مستقر بودند. هرچند که نمی‌توان از این دو نیرو به‌عنوان دو بخش مجزا یاد کرد. به هر حال نقش ارتش در مسائل مصر یک نقش محوری است. این نهاد برای پست ریاست‌جمهوری سه نفر را مطرح کرده است که یکی از آنها ژنرال السیسی است و دیگری از مقامات ستاد مشترک ارتش است و نفر سومی هم به‌عنوان نامزد احتمالی مطرح شده است. این افراد برنامه‌های خود را نیز ارائه داده‌اند، اما قطعاً

رئیس‌جمهوری که از پشتیبانی ارتش برخوردار است، روی کار خواهد آمد. همچون ژنرال مشرف در پاکستان، بشار اسد در سوریه، صدام حسین در عراق و مبارک در مصر. رئیس‌جمهور جدید مصر هم مورد حمایت ارتش خواهد بود. البته در مورد مصر شدت علاقه به نظامی‌ها از لحاظ روحی، روانی و تاریخی یا تجربی بیشتر از کشورهای دیگر است. از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۵۲ که کودتای افسران آزاد شکل گرفت، مصر تحت اشغال کشور انگلیس بود. از سال ۱۹۵۲ نیز این کشور به مدت ۶۰ سال تحت فرمان ژنرال‌ها بود. این مسئله پیوستگی جامعه مصر را با ارتش افزایش می‌دهد. ناآرامی‌های داخلی در مصر، در نهایت موقعیت ارتش را در این کشور نهادینه و قدرت آن را بیشتر می‌کند، البته این بدان معنا نیست که نگاه سنتی در مصر پایدار خواهد ماند. زیرا ما شاهد بودیم که جریانی نه چندان قوی، توانست این نظام سیاسی را دچار ارتعاش جدید کند.

پاسخ (دکتر برزگر): در مورد تأثیر سیاست آمریکا در قبال تحولات مصر بر روابط این کشور با متحدانی چون عربستان سعودی و به‌خصوص در جریان کودتا، باید یادآور شد که آمریکایی‌ها ابتدا حامی حسنی مبارک بودند و ۱/۵ میلیارد دلار هم به مصر کمک کردند، اما در یک مقطع پشت حکومت مبارک را خالی و شرایط را برای سقوط وی آماده کردند. این مسئله زنگ خطری برای سایر کشورها مانند عربستان سعودی بود. این کشورها به این نتیجه رسیدند که باید در برخورد با تحولات منطقه سیاست مستقل مخصوص به‌خود را در پیش بگیرند. به‌ویژه نقش عربستان در این تحولات تا حدودی نتیجه سیاست‌های مستقل این کشور و ناشی از اقدام به تعریف



منافع خود در مسائل خاورمیانه است. مقامات عربستانی از گذشته نسبت به سیاست‌های آمریکا در منطقه دلخوری دارند. زمانی که آمریکا به عراق حمله کرد، این اقدام باعث شد توازن قدرت موجود در منطقه در ارتباط موضوع نفت به نفع ایران را برهم زده شود. همچنین عربستان در مقاطع مختلف اتهام حمایت از حکومت مالکی را به آمریکا وارد کرده است. با توجه به این ملاحظات و تجربیات مسئولان ریاض، به دنبال اتخاذ سیاست‌هایی مستقل‌تر درخصوص مسائل خاورمیانه هستند. به نظر می‌رسد تحولات اخیر مصر و نحوه رویکرد و عملکرد آمریکا نسبت به این تحولات نیز به عامل مضاعفی برای پیگیری این سیاست تبدیل شده است.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۱۹۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی تحولات اخیر مصر تداوم بی‌ثباتی در مصر؛ ملاحظات داخلی و مواضع آمریکا گزارش نشست علمی - تخصصی دفتر مطالعات سیاسی (۳)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

سخنرانان: کیهان برزگر، سعدا... زارعی

تدوین و تنظیم گزارش: نرگس کلاکی

متقاضی: معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی

ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۶/۳۱